

شوق

روزنامه

یادداشت

آموزش و پرورش بعد از زلزله



حیدر یازیدی

معلم آموزش و پرورش منطقه زیویه

التهابات و هیجانات زمین‌لرزه کرمانشاه در حال فروکش‌کردن است و یا در چند روز آینده فروکش می‌کند و آنچه باقی می‌ماند مردم بی‌خانه، بی‌بیمارستان، بی‌مدرسه و پشته‌های خاکروبه به‌جامانده از زلزله است.

در خوش‌بینانه‌ترین حالت اگر مسئولان به فکر مدارس ویران‌شده این استان باشند و بازسازی و تأمین فضای آموزشی در اولویت برنامه‌هایشان باشد، آن وقت است که سیستم آموزشی باید با رویکردی جدید وارد عرصه تعلیم و تربیت شود.

نظام آموزشی جدیدی که با حجم زیادی از ویرانی‌های فیزیکی و امکانات بربادرفته مواجه است.

نظامی آموزشی که تعدادی از فرهنگیان خود را از دست داده و یا فرهنگیان سرخورده از قهر طبیعت دارد و از همه مهم‌تر شروع به کار این نظام آموزشی جدید برای دانش‌آموزانی است که به نایب از آنها شاید چند شاخه گل جایگزین شود و یا وجودشان فقط سایه‌ای از دانش‌آموزان قبل از زلزله باشد.

واقعیت این است که زلزله خرابی می‌آورد، بحران می‌آفریند و مرگ را به ارمغان می‌آورد، اما باور مرگ در قاموس زندگی از مباحث عمیق فلسفی است و تبیین آن به‌عنوان یکی از مراحل زندگی نیاز به درکی درست و منطقی دارد و تفهیم این واقعیت تلخ، آن هم معنوی‌شان (پدر، مادر و سرپرست و...) در آن در واحد از دست داده‌اند، به مراتب سخت‌تر و پیچیده‌تر از تمام معضلات و مسائل تعلیم و تربیت است.

لازم است در این بحران تعلیم و تربیتی یادمان باشد جمع‌ی از دانش‌آموزان این استان تا چند وقت پیش به دیوار ساختمان‌هایی تکیه داده بودند که گرمای وجود هم‌خانه‌ای‌هاشان به آنها شوق زندگی می‌داد.

اما امروز نهمته‌ها دیوار ساختمان‌ها، بلکه دیوارهای زندگی‌شان آوار شده است. هم‌خانه‌ای‌هاشان بی‌صدا و آرزوهاشان شاید تنها تکرار ثانیه‌هایی قبل از زمین‌لرزه باشد.

یادمان باشد امروز در بین معلمان این استان، معلمانی هستند که دیگر توانایی سبزرگدن را ندارند. از زخم‌هایی شاک‌ی‌اند که درمانی ندارد و ادامه راه با این زخم‌ها برایشان میسر نیست.



زمین را به یاد آوریم که با آن همه عظمت، فریادش لرزه بر تن عالم و آدم انداخت؛ پس به فریادهای دانش‌آموزان و معلمان و حتی همه مردمان کرمانشاه حق بدهیم و احترام بگذاریم که دلگیر باشند.

یادمان باشد دفن کتب درسی دانش‌آموزان زیر خروارها آوار، غنیمتی است تا کتاب‌های جدید تدوین کنیم، کتاب‌هایی که دانش‌آموزان را فهمیده‌تر، مستق‌ل‌تر، انسان‌دوست‌تر و اخلاقی‌تر کند.

می‌توانیم به دانش‌آموزان زلزله‌زده فارغ از نظام آموزشی متمرکز الزامی درس صداقت و راستی بدهیم. یاد دهیم دزدی یعنی درشت‌درشت‌نوشتن مشق‌ها برای پرکردن صفحات، یاد بدهیم ک‌ندم دزدی تولیدکننده و کشاورز می‌شود سرطان، البته که دانش‌آموزان فهمیده‌اند گ‌ند دزدی مهندسان ناظر در زلزله چه بلایی بر سرشان آورد!

امروز در نبود کتب درسی می‌توانیم، رؤیاهای جدیدی در ذهن دانش‌آموزان این استان بیروانیم؛ رؤیای باهم‌بودن، رؤیای همبستگی، رؤیایی که دیگر نژاد، ارتباط‌مان را پاره نکند و مذهب از یکدیگر جدایمان نکند و سیاست بینمان دیوار نکشد و ثروت از ما طبقه نسازد و اینها چیزهایی بودند که دانش‌آموزان در کتب درسی قبلی نخوانده بودند.

اما در لرزش زمین به چشم خود دیدند که مردمان این مملکت فارغ از هر قومیت و نژادی با تمام مذاهب و ثروت‌ها به دور از سیاست به کمک آنها شافتند.

از دست‌دادن گرانبهاترین ذخایر زندگی می‌تواند سخت‌ترین آلام را بر روح و روان هر فردی تحمیل کند، اما مانند در حسرت از دست‌دادن آنها، فرصت‌های دیگر زندگی را می‌سوزاند. در دانش‌آموزان این باور را نهادینه کنیم که هنوز ریشه در خاک دارند و ساقه‌هایشان می‌توانند سبزتر از همیشه از دل آوارها سر به‌افلاک بکشند تا به دور از هر حاشیه‌ای بر همگان ثابت شود که دانش‌آموزان این دیار سبز بودند، سبز خواهند شد و سبز خواهند ماند.

تاک

پرورش خلاقیت در کودکان دبستانی



آزاده

سید میرزایی هج‌ی،

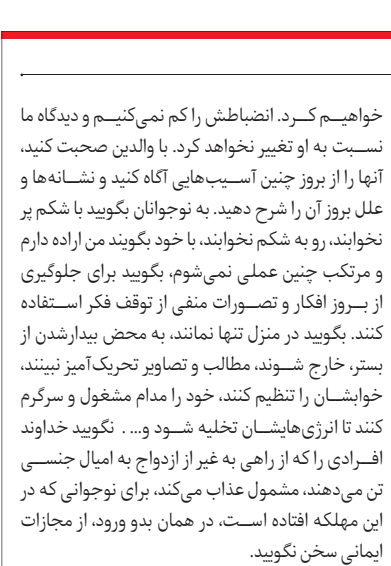
خلاقیت یعنی به‌کارگیری توانایی‌های ذهنی برای ایجاد فکر به ترکیب ایده‌ها یا ایجاد پیوستگی بین ایده‌ها تعبیر کرده‌اند. می‌توان گفت کودکان قبل از ورود به مدرسه ذهنی فعال و بسیار انعطاف‌پذیر دارند، اما متأسفانه با ورود به مدرسه شور و نشاط و خلاقیت پیشین خود را کنار گذاشته و با قوانین و قواعد خشک مدارس، همسو می‌شوند. تورنس، نظریه‌پرداز بزرگ خلاقیت، نیز اشاره می‌کند که از ۱۰سالگی منحنی خلاقیت کودکان دچار افت و کاهش می‌شود. او اشاره می‌کند که مدارس گاه از بین‌برنده خلاقیت هستند. هنر آموزش کسب‌وکار، به نام لیندا را نیز خرید. لیندا در سال ۲۰۱۵ تا به الان دوره‌های خود را تحت برند لینکدین عرضه می‌کند. PLURALSIGHT نیز یک کتابخانه از آموزش‌های ویدئوی در دسترس را ارائه می‌دهد. همچنین بخش پردازش ابری آمازون نیز یک بازوی آموزشی در کنار خود دارد.

چرا آموزش مادام‌العمر؟

در نمودارهای زیر که به گزارش nap.edu به دست آمده است، این نمودار انگیزه مهندسان را برای آموزش مادام‌العمر براساس پاسخ ۳۲۰۰ نفر به این سؤال به دست آمده است، «در آینده، شما براساس کدام عامل انگیزشی در یک برنامه یادگیری مادام‌العمر شرکت می‌کنید؟» پاسخ به این سؤال براساس نمره ۱ تا ۵ رده‌بندی شده است و در آن ۵ نشان‌دهنده این است که قطعاً تحت این عامل ثبت‌نام می‌کنم و شماره ۱ یعنی به‌هیچ‌وجه ثبت‌نام نخواهم کرد. همان‌طور که در نمودار می‌بینید، رشد جایگاه شغلی در محل کاری که الان حضور دارید مهم‌ترین انگیزه برای انجام آموزش مادام‌العمر است. بعد از آن رشد جایگاه شغلی در خارج از محل کار فعلی، رضای حس کنج‌کاوی ذهنی و در مرحله آخر داشتن حداقل نیازمندی‌های مربوط به دولت و قوانین در آن نقش داشته است. به گزارش مجله اکونومیست، دانشگاه‌ها در حال حرکت به سمت دنیای دیجیتال و آنلاین‌شدن هستند. آموزش ماژولار (یک محتوای خاص برای یک دوره کوتاه) در حال گسترش است. کشورهایی مانند سنگاپور سرمایه‌گذاری سنگینی برای فراهم‌کردن شرایط آموزش فراهم کرده‌اند که آنها می‌توانند در سراسر زندگی کاری خود از آن بهره‌مند شوند. همچنین افراد نیز نیازمند یادگیری مجدد هستند. طبق مطالعاتی که پو انجام داده، ۵۴ درصد از آمریکایی‌ها نیازمند یادگیری مهارت جدید در دوران کاری خودشان هستند. در میان بزرگ‌سالان زیر ۳۰ سال این مقدار به ۶۱ درصد می‌رسد.

مطالعه دیگری نیز در مجله manpower در سال ۲۰۱۶ ارائه شد. در آن ۹۳ درصد از افرادی که دوران جوانی خود را در سال ۲۰۰۰ گذرانده بودند تمایل داشتند با پول خودشان آموزش بیشتری پیدا کنند. در همین حال کارفرمایان نیز تأکید بیشتری بر یادگیری به‌عنوان یک مهارت برای خود دارند.

در نهایت باید گفت رشد علم در دنیای امروز بسیار سریع شده و به حدی رسیده است که کارمندان یا گناهکار با آنان مواجه نشوید. نوجوانان از عواقب یادگیری در منزل تنها نم‌اند، به محض بیدارشدن از بستر، خارج شوند، مطالب و تصاویر تحریک‌آمیز ببینند، خوابشان را تنظیم کنند، خود را مدام مشغول و سرگرم کنند تا انرژی‌هایشان تخلیه شود و نکوید خداوند افرادی را که از راهی به غیر از ازدواج به امیال جنسی تن می‌دهند، مشمول عذاب می‌کند، برای نوجوانی که در این مهلکه افتاده است، در همان بدو ورود، از مجازات ایمانی سخن نکوید.



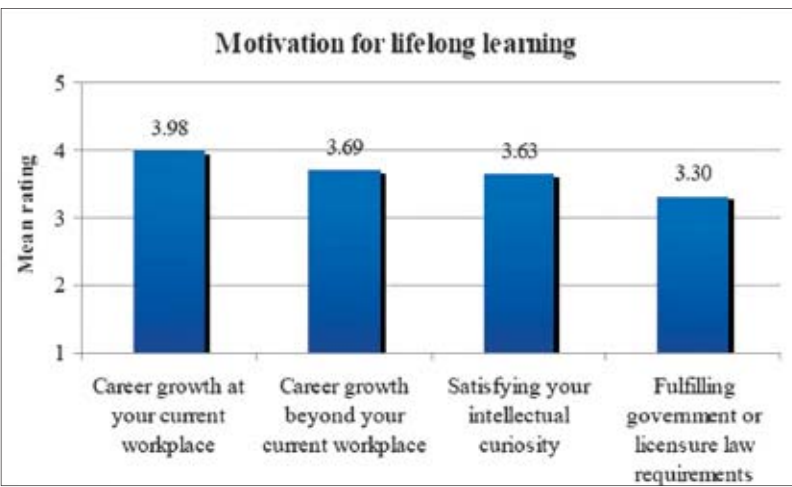
است. مرزهای علم با سرعت در حال گسترش است و آموزش مکتب‌خانه‌ای یا دادن حجم زیادی از دانش به یک فرد بدون درنظرگرفتن استعداد و بازار کار آینده نمی‌تواند تمامی چارچوب‌های مورد نیاز او را در آینده کاری او پوشش دهد. درواقع در نظام آموزشی کنونی بخش زیادی از آموزش‌هایی که به افراد داده می‌شود بدون استفاده هستند و در محیط کار فراموش می‌شوند. برای مثال، چند درصد از ما به محاسبه انتگرال‌های پیشرفته در سر کار نیاز داشتیم؟ یا چند درصد افراد نیازمند مطالعه این حجم از شیمی یا فیزیک هستند؟ از طرفی بخش زیادی از نیازمندی‌های شغلی که فرد باید به آنها آگاه باشد به او آموزش داده نشده است. با توجه به اینکه فرد نیز آماده آموزش مستمر یا مادام‌العمر نیست، نمی‌تواند یک نیروی کار خیره باشد.

در مفهوم دانش «جویی» در دنیای مدرن، نقش خود فرد در یادگیری و پژوهش افزایش یافته است. همان‌طور که در دنیای کنونی توقع نمی‌رود که یک فرد تمامی دروس را شامل ریاضی، فیزیک و... درس دهد، این توقع نیز بجا نیست که ما از استاد یک درس تخصصی توقع داشته باشیم بر تمامی علوم آن درس مسلط باشد. اساتید نیز برای نزدیک بودن به مرزهای علم باید مدام مطالعه و تحقیق انجام دهند و این مفهوم خود را در یک واژه جدید به نام یادگیری مادام‌العمر نشان می‌دهد. با این حجم بسیار زیاد مطالب جدید، دیگر دانش‌آموزبودن به‌تنهایی کافی نیست و باید به دنبال راه‌حل‌های دیگری بود.

پژوهش‌کردن نه یک فرصت، بلکه التزام است، در نظام آموزشی نوین به‌جای یاددادن مطالب زیاد به هر فرد به او آموزش می‌دهند که چگونه یاد بگیرد و تحقیق کند. درواقع افراد باید آموزش ببینند تا دانش «جو» باشند. باید بتوانند به جواب سؤالات خود برسند و برای رسیدن به جواب سؤالات به یک چارچوب جزوه یا کتاب درسی محدود نشوند.

مشخصه‌های آموزش مادام‌العمر

یادگیری مادام‌العمر درواقع یادگیری دائمی، داوطلبانه و با انگیزه شخصی برای کسب دانش شخصی و حرفه‌ای است. در این دوران افراد در محیط کاری خود نیازمند آموزش مستمر هستند. به گزارش اکونومیست، تعداد بسیار زیادی مراکز آموزشی نیز در تحقق این



نگاه

قسمت دوم

بیایید «کبک» نباشیم!

کنید که چنین آسیب‌هایی وجود دارد، اگر فردی دچار آن است، راهکار این است. به چشم یک انسان به‌رکار یا گناهکار با آنان مواجه نشوید. نوجوانان از عواقب بیان‌کردن مسائل و ناهنجاری جنسی‌شان می‌ترسند. لقلقه زبان مشاورهای مدرسه این است که ما حافظ اسرار شما هستیم؛ اما از نوجوانان سلب اطمینان شده است. به آنان بگویید رضای خود، موجب گوشه‌گیری، افت تحصیلی، تمرکزنداشتن، از بین‌رفتن تناسب اندام و بروز مشکلات باروری پس از ازدواج می‌شود. بگویید اگر فردی مبتلاست، بداند با کمک هم، نالاراهی‌اش را رفع

راهنمایی‌کردن، پذیرفتن ناهنجاری جنسی نوجوان، تحقیر و توهین نکردن به او، بروزندان رفتارهای کلیشه‌ای نظیر: دیگر ما با صحبت نکن، وجود تو برکت زندگی ما را از بین برده است، تو گناهکار هستی، تو سالم نیستی یا تنبیه فیزیکی و طرد نوجوان؛ شاخص تربیتی در جامعه نظام آموزش و پرورش است که در مدارس، گروه‌های سرود شکل می‌گیرد، تئاتر، کلاس‌های فوق برنامه و... ما منکر مفیدبودن این موارد نیستیم؛ اما آسیب جنسی به خود؛ دانش‌آموز زنگ یا تنبل، هنرمند یا بی‌هنر نمی‌شناسد. به جای مشاوره ازدواج، برای نوجوانان به وضوح تبیین

برخی نوجوانان بنابر برخی دلایل مختصر مطرح‌شده ممکن است وارد مهلکه برآورده‌شدن میل جنسی‌شان به وسیله خودشان شوند. این عمل انتخابی است و خود کودک یا نوجوان در یک لحظه تصمیم می‌گیرد که کاری را انجام دهد؛ خواه با افکارش و تصوراتش، خواه با عملی که نیاز آتی او مرتفع شود. تمام دلایل مطرح‌شده نوعی تنش و اضطراب و نگرانی را در نوجوانان پدید می‌آورد و برای رهایی از این اشتغکی دست به چنین عملی می‌زنند؛ نه در یک زمان و مکان خاص؛ اما راهکار آن چیست؟ پس از خانواده‌ها با تغییر روند زندگی، صحبت‌کردن،



محمد نافقی

تحلیلگر اقتصادی

دنیایی را تصور کنید که در آن مدیر یک شرکت هستید. در این شرکت کارمندان شما هنگامی‌که به سؤالی برخورد کردند یا کار با یک نرم‌افزار یا دستگاهی را بلد نیستند، به‌سرعت در اینترنت جست‌وجو می‌کنند تا با خواندن یک متن یا مشاهده یک دوره کوتاه چندساعته به جواب سؤال خود برسند. در این شرکت برای یادگیری هر نرم‌افزار نیاز به برگزاری کلاس‌های آموزشی نیست و افراد خود می‌توانند به‌صورت مستقل به جواب سؤالات خود برسند. آندرو پالمر، یکی از نویسندگان مجله اکونومیست، می‌گوید: «تغییرات تکنولوژی ارتباطی قوی‌تر و پیوسته‌تری بین آموزش و اشتغال را مطالبه می‌کند». امروزه تغییرات تکنولوژی سرعت گرفته‌اند. آیا نظام آموزشی ما نیز آماده چنین تغییراتی هست تا به‌جای تربیت دانش «آموز» (کسی که فقط به یادگیری گفته‌های معلم و استاد خود کفایت می‌کند) در یک نظام آموزشی فشاری (یعنی افراد بدون توجه به تقاضای بازار تربیت می‌شوند و وارد بازار کار می‌شوند)، به تربیت دانش «جو» (کسی که برای یافتن جواب سؤال خود پژوهش می‌کند) در یک نظام آموزشی کششی (یعنی افراد وابسته به نیاز بازار تربیت می‌شوند) تبدیل شود؟

آموزش در گذشته

در دوران گذشته آموزش افراد و کودکان عمدتاً محدود به همان روستا یا خانواده خودشان بود. افراد برای یادگیری دانش به مکتب‌خانه‌های شهر خود می‌رفتند و فردی به نام «ملا» یا معلم آن مکتب‌خانه که تسلطی روی علوم داشت وظیفه تعلیم و تربیت کودکان آن منطقه را برعهده داشت. در این دوران آموزش به‌صورت یک‌طرفه بود و ارتباط زیادی به فرایند کاری و استعداد فرد نداشت. سطح دانش روستا وابستگی زیادی به «معلم» آن روستا داشت. البته دانش‌آموزان فعال و کوشا می‌توانستند کتاب‌های بیشتری مطالعه کنند یا به شهر بروند، ولی غالب رویکرد به این صورت بود. در چنین سیستمی نیاز بازار کار در آینده و استعداد افراد با آموخته‌های معلم و درسی که به آنها آموزش داده می‌شد ارتباط زیادی نداشت و در نتیجه آن هزینه زیادی ناشی از عدم تخصص و محدودکردن استعدادها به اقتصاد کشور تحمیل می‌شد. اما به‌مرور وضع آموزش بهبود پیدا کرد، در حدود ۲۰۰ سال پیش آموزش کمی نظام‌مند شد. آرام‌آرام مدارس به شکل کنونی شکل گرفتند و معلم‌ها سطح دانش بالاتری پیدا کردند و آموزش افراد به‌صورت یک تخصص درآمد. هر معلم در یک حوزه علم سرآمد بود و می‌توانست به سؤالات دانش‌آموزان بهتر جواب دهد. دانش‌آموزان مستعد به شهر می‌رفتند و از خدمات بهتری بهره می‌بردند. بعد از آن با تأسیس دانشگاه‌ها افراد می‌توانستند متناسب با استعداد خودشان رشته تحصیلی خود را انتخاب کنند. در این حالت نظام آموزشی کمی از حالت فشاری کامل خارج شد و اثر تقاضا و استعداد فرد هم در آن دیده می‌شد. نام دانش‌آموز به دانشجو تغییر پیدا کرد به



میبنا غریبا

مدرس دانشگاه علوم تربیتی